

نقش والدین
در ازدواج مناسب فرزندان



دانشگاه علوم پزشکی
و خدمات بهداشتی درمانی کاشان
معاونت بهداشتی



فرزندار مناسب

ازدواج

والدین

نقش



تہیہ و تنظیم :

- ◆ **شہناز خاندایی** کارشناس مسئول سلامت نوجوانان، جوانان و مدارس
- ◆ **طاہرہ باغ شیخی** کارشناس سلامت نوجوانان، جوانان و مدارس
- ◆ **عطیہ نجاتی** کارشناس سلامت نوجوانان، جوانان و مدارس

زیر نظر:

- ◆ **دکتر سیدعلیرضا مروّجی** معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی کاشان

باتشکر از:

- ◆ **دکتر محمد اسماعیل مطلق**
(مدیر کل دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس -
وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی)
- ◆ **دکتر گلایل اردلان راد**
(رئیس اداره سلامت جوانان)
- ◆ **دکتر مینو سادات محمودعربی**
(کارشناس مسئول اداره سلامت جوانان)

طراحی و گرافیک: سید جلال مروّجی

مقدمه:

ازدواج یکی از مهمترین حوادث و رویدادهای زندگی است و نقش مهمی در سرنوشت و خوشبختی انسان دارد، مضافاً بر اینکه اگر به نحو صحیح انجام پذیرد بسیاری از نیازهای انسان اعم از روانی، عاطفی و جسمی و اجتماعی را تامین می کند. بنابراین در عین حال که نباید در انتخاب همسر خیلی وسواس گونه عمل کرد اما دقت، شناخت، اتخاذ تصمیم حساب شده و بالاخره انتخاب صحیح از شرایط ضروری یک ازدواج موفق است.

در این میان والدین در امر ازدواج و انتخاب همسر فرزندانشان نقش خطیری بر عهده دارند. پدر و مادری که در تمام دوران کودکی و نوجوانی فرزندشان، دلسوزانه در رشد و بالندگی او تلاش کرده و از جان و دل بزرگش کرده اند، اکنون هم که یک جوان برومند شده و به سن ازدواج رسیده، باز هم از هیچ تلاشی برای فراهم شدن اسباب خوشبختی او دریغ نمی کنند.

از این رو ازدواج به عنوان یکی از مهم ترین موضوعات خانوادگی باید در قالب و چارچوب خاص خود قرار گیرد و بیان این مطلب که دوره تغییر کرده و جوانان این زمانه با گذشته بسیار تفاوت دارند نمی تواند پاسخ منطقی و قابل قبولی باشد.



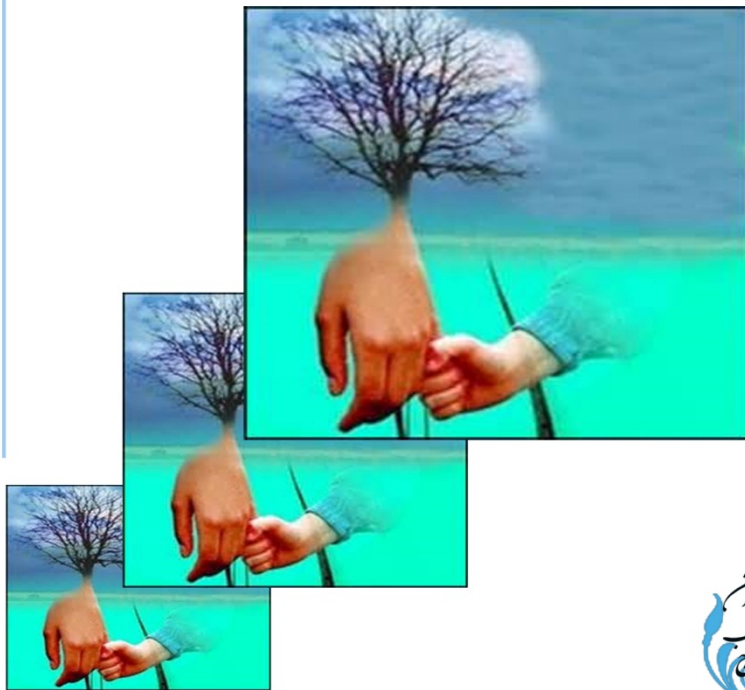
این جوانان درست در همان خانواده هایی رشد و پرورش می یابند که جوانان سال های قبل بزرگ شده اند بنابراین تنها به سبب پیشرفت فناوری و گسترده شدن دامنه ارتباطات نمی توان جوانان را به حال خود گذاشت تا شریک زندگیشان را انتخاب کنند. این موضوع قابل توجه است که بعضی از خانواده ها در این زمینه کوتاهی می کنند و دلیل شان هم این است که جوان ، هر کسی را که خودش انتخاب کند می پذیرد و با او کنار می آید و اگر ما کسی را انتخاب کنیم مشکلات بعدی آنها هم گریبان خودمان را می گیرد. در صورتیکه پدر و مادرها باید همیشه همراه و مشاور جوان خود باشند و با استدلال و منطق، وی را قانع کنند که انتخابش درست و یا نادرست است.

در واقع حقوقی از جانب فرزند به عهده هر پدر و مادری است که یکی از مهم ترین آنها ساماندهی امر ازدواج فرزندان می باشد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «مَنْ حَقَّ الْوَلَدَ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثَةٌ يُحَسِّنُ اسْمَهُ وَ يَعْلَمُهُ الْكِتَابَةَ وَ يَزُوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ؛ [۱] از جمله حقوق فرزند بر پدرش سه چیز است: اسم خوب برای او انتخاب کند، سواد به او بیاموزد و هر گاه به سن بلوغ رسید، او را همسر دهد.»

بنابراین برای روشن شدن راه پیش روی والدین در موضوع ازدواج فرزندان، به نقش آنان در سه گام اشاره می کنیم تا شاید بتواند اندکی ایشان را در فراهم کردن هر چه بهتر مقدمات و شرایط ازدواج فرزندان و عمل به وظیفه شان یاری رساند.

اولین نقش والدین و خانواده در ازدواج فرزند مربوط به دوران پیش از ازدواج است. والدین با تربیت صحیح خود می توانند فرزند توانمند و صالحی تربیت کنند که آمادگی لازم برای ازدواج کردن داشته باشد. در واقع می توان نقش والدین قبل از ازدواج را، در دو قسمت سنین نوجوانی و بلوغ و بعد از آن (سن ازدواج) بررسی نمود.



در سنین نوجوانی و بلوغ

نوجوانان و والدین در این دوران با مسائل و مشکلات مختلفی روبرو می شوند. یکی از مسائلی که برای نوجوانان مطرح می باشد روبرو شدن با جنس مخالف است که تاثیر زیادی بر زندگی آینده آنها دارد.

همواره والدین باید در نظر داشته باشند که آمادگی نوجوانان برای رویارویی با جنس مخالف، زمینه سازی مناسب می خواهد و باید از دوران کودکی فضای ایمن و سالم برای تربیت فرزندان فراهم شود تا اضطراب، بی اعتمادی، شک و تردید و فاصله عاطفی به وجود نیاید.

والدین و فرزندان باید احساس همدلی داشته باشند تا بتوانند حرف یکدیگر را بفهمند. در قدم اول والدین باید این ضرورت را حس کنند که فرزند آن ها به مشورت نیاز دارد. آنها علاوه بر ابراز صمیمیت، باید مشاوران خوبی باشند تا پس از جلب اعتماد فرزندان، بتوانند یا خود به آنها کمک کنند یا آن ها را به سمت مشاوران مجرب سوق دهند.

یکی از دوره های حساس و مهم زندگی هر فرد، دوران نوجوانی است از سوی دیگر به جرات می توان گفت هرگز عصری هیجان انگیزتر و یا بعبارت دیگر پرمخاطره تر از این برای نوجوانان و والدین وجود نداشته است. امروزه در افق فرهنگ نوجوانان معاصر، دو جبهه هوای مختلف وزیدن گرفته است. یکی فریاد از دل برآمده هزاران نوجوانی است که در آرزوی وحدت با جمع، نظم، راهنمایی، هدایت، مقصد و هدف هستند و دومی گردباد گیجی و سردرگمی عظیمی است که حرکت شکوهمند اولی را شدید می کند.

پژوهشهای به عمل آمده نشان می دهد هنوز هم والدین، نه همسالان، مهمترین تاثیر و نفوذ را بر زندگی یک نوجوان دارند و راه این تاثیر عشق است. بنا به گفته دکتر گری چاپمن، کلید باز کردن این در، این است که **بیاموزید به زبان عشق با نوجوانتان صحبت کنید.**

پدر و مادر باید بتوانند شخصیت فرزند را به طور همه جانبه پرورش دهند و مسائل اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و روانی را با نوعی آگاهی و دانش درآمیزند تا بتوانند نوجوان عاقل و توانایی تحویل جامعه دهند.

به عبارت دیگر یکی از شرایط اصلی برای ازدواج علاوه بر بلوغ جسمی و روانی و عاطفی، بلوغ اجتماعی است و این موضوع می تواند بیانگر این مطلب باشد که فردی که توانمندی لازم برای اداره یک زندگی را ندارد مجاز به شروع زندگی مشترک نیست و اسلام نیز این موضوع را تایید می کند.

یکی دیگر از ضروریاتی که در این دوران باید مورد توجه قرار گیرد این است که والدین بدانند همواره بین ویژگی های رفتاری آنها و فرزندانشان هماهنگی وجود داشته باشد.

این بدان معنی است که محبت کردن والدین، همراه با آماده کردن نوجوان خود برای مقابله با مشکلات باشد. والدینی که هیچ گونه مسئولیتی به فرزندان خود محول نکرده و یا این فرصت را به آنها نداده اند که بتوانند در حد توان خود با مشکلات زندگی روبرو شوند و خود راه چاره ای برای حل آن بیابند قطعاً در مسئله ازدواج و تامین این نیاز در آینده با مشکل روبرو خواهند شد.

بنابراین فرزندی که محبت دریافت می کند و صمیمیت را هم تجربه کرده است، باید مهارت های مختلف زندگی را نیز یاد بگیرد. درواقع محبت، تامین بی حد و حصر نیازهای فرزندان نیست بلکه باید همراه آموزش باشد.



در اکثر موارد نیز در زمان ازدواج فرزندان مخالفت والدین نسبت به ازدواج آنها، مخالفت با اصل ازدواج آنان نیست بلکه دلیل مخالفت آنان غالباً این مسئله است که آنها هنوز آمادگی پذیرش مسئولیت یک زندگی مشترک را ندارند و مهارت‌های لازم برای حل مسائل و مشکلات زندگی‌شان را کسب نکرده‌اند. بنابراین برای جلوگیری از این مشکلات، والدین موظف هستند که فرزندشان را از زمان بلوغ برای ازدواج آماده کنند تا او بتواند در زمان لازم به این امر مهم، جامه عمل بپوشاند.

ب: نقش والدین در آماده نمودن فرزندان در سن ازدواج:

یکی از اصول مهمی که والدین برای فرزندان در سن ازدواج باید رعایت کنند آموزش مسائل خانوادگی به جوانان می باشد ، که زمینه ازدواج سالم همراه با پیوند عمیق زوجین را فراهم می نماید. جوانی که قصد ازدواج دارد باید بداند چگونه محبت خود را ابراز کند و چگونه نظر طرف مقابل را جلب کند ، چه معیارهایی را در نظر داشته باشد و در مواقع سخت و پیچیده چگونه عمل کند . همچنین باید بداند چه مسائلی سلامت زندگی خانوادگی را تضمین می کند و چه مسائلی، آن را متزلزل می سازد.



به عبارت دیگر برای شروع یک زندگی سالم همراه با آرامش روان، پاک دامنی و پرهیز از کلیه آسیبها، والدین باید مسائل زیر را به جوانان آموزش دهند تا آنها بتوانند با آمادگی کامل وارد زندگی مشترک شوند:

❖ (۱) آموزش ویژگیهای روانی، عاطفی، جسمی و اجتماعی جنس مخالف به فرزندان در سنین ازدواج

❖ (۲) آشنا کردن آنها با اصول ازدواج سالم و نشانگان (نشانه های) ازدواج های غیر سالم

❖ (۳) پرورش مهارتهای برقراری رابطه صحیح زن و مرد پس از ازدواج

❖ (۴) شفاف کردن مفهوم ازدواج برای فرزندان

❖ (۵) بیان ارزش داشتن همسر و تاثیر ازدواج در تعالی ایشان

مواردی را که خانواده ها برای جوانان در سن ازدواج باید به عنوان اصول اولیه در نظر بگیرند عبارت است از:

الف: ایمان به خدا اولین رکنی است که ما به آن نیازمندیم. تا خدا و حرف او را باور نداشته باشیم، هموار کردن این مسیر کاری بس دشوار است. ضعف در ایمان به خدا و فرمایشات ائمه است که جوانان ما را از ازدواج دور می کند و در پی آن آسیبها و آلودگی های زیادی دامن جوان و به دنبال آن جامعه را گرفتار می کند. بنابراین وظیفه خانواده ها این است که بینش صحیح نسبت به دستورات خدا را، ابتدا برای خود و سپس برای جوان شان به وجود آورند و همیشه این مطلب را برای جوان یادآوری کنند که خداوند در ازدواج برکات بی شماری قرار داده است.





امام صادق علیه السلام یکی از موانع ازدواج را ضعف ایمان بر می شمرد و می فرماید: «مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ أَسَاءَ بِاللَّهِ الظَّنَّ . هر کس به خاطر ترس از مخارج زندگی ازدواج نکند به خدای متعال سوء ظن پیدا کرده است.» و این وظیفه والدین است که خود و فرزندان را نسبت به این مسئله آگاه سازند.



ب: تربیت کردن فرزندان، به نحوی که اهل تلاش بوده و متکی به والدین خود نباشد در نظر گرفتن این موضوع از سوی خانواده پسر، و قبول پسران جوان با این رویکرد، از طرف خانواده دختر، یکی دیگر از ارکان تسهیل امر ازدواج می باشد. وقتی باور خود و فرزندان مان این باشد که جوانان با تلاش در کنار توکل و باور درست به خدا است که تمام مشکلات اعم از مادی و معنوی را حل خواهند نمود دیگر ترس و دلهره‌ای از شروع زندگی با امکانات رفاهی کم نمی تواند مانع از ازدواج آنها گردد.

ج: خوشبختی را فقط در مادیات ندیدن و به این نکته اعتقاد داشته باشیم که رفاه مادی الزاما خوشبختی نمی آورد و خوشبختی انسان در سایه تلاش، عشق، محبت و احترام‌های متقابل به وجود می آید. دین اسلام غنی از دستورات و سنت‌هایی است که جوانان را به ازدواج بدون توجه به مادیات ترغیب می نماید و میتوان بهترین نمونه، خصوصا برای خانواده دختر جهت کم اهمیت بودن مادیات در مسئله ازدواج، به زندگانی حضرت زهراء سلام الله علیها اشاره نمود و در روایات قید شده که خرج عروسی و تهیه وسایل منزل، همه از فروش یک زره که حضرت علی علیه السلام مهریه حضرت زهراء علیها السلام قرار داده بودند تهیه شد.

د: گاهی جوانان هزینه شروع یک زندگی آبرومندانه و حتی با رفاه قابل قبول را دارند ولی هراس از مقدمات و تشریفات آن، که غالباً از جانب خانواده‌ها بر آنان تحمیل می‌شود، مانع از اقدام برای ازدواج آنها می‌شود. خانواده‌ها باید آینده فرزندان خود را در نظر بگیرند و آن را فدای خوشی موقت آنها نکنند.



خوب است در این جا به یکی از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب دامه برکاته اشاره کنیم که ایشان می‌فرمایند:



شما اگر نگاه کنید به تشریفات ازدواج در میان اقوام مختلف، خواهید دید در اسلام تشریفات ازدواج ساده است. البته جشن و سرور و این‌ها عیبی ندارد، هر کس هر مقداری که مایل است، اما اینها جزو دین و جزو تشریفات رسمی و دینی ازدواج نیست. هر کس خواست می‌تواند انجام بدهد، هر کس نخواست، نه... حالا هم که مقررات ثبت است و درج در محاکم. مراکز ثبت رسمی است و هیچ تشریفات ندارد؛ می‌توانند خیلی راحت و بدون تشریفات این ازدواج را انجام دهند.



والدین در این مرحله از زندگی فرزندان باید بدانند که نقش آنها به عنوان دیده‌بان اصلی و رصد کننده دقیق جریان ازدواج فرزندان بسیار مهم و ضروری است و باید همواره در نظر داشته باشند که نسبت به نواقص غیر اساسی و غیر حیاتی طرف مقابل تا حدودی چشم پوشی کنند و از خوب و بد کردن‌های بی‌پایه و اساس خودداری نموده و فرزندان را با آرامش وارد این میدان نمایند و خود به عنوان حامی آگاه و بصیر از آنها پشتیبانی نمایند.

خانواده‌ها باید در نظر داشته باشند بسیاری از موانع ازدواج بیشتر از آن‌که به امور واقعی مرتبط باشد، به نوع نگرش و رویکردهایی مرتبط است که به فرزند خود القاء میکنند.



بنابراین زمانی که فرزند برای ازدواج اعلام

آمادگی می کند، والدین موظف هستند که :

- ۱) شناخت کافی از عضو جدیدی که قرار است پا به کانون خانواده بگذارد به دست آورند.
- ۲) با خانواده عضو جدید ارتباط برقرار کرده و نحوه ی زندگی آنها را مورد بررسی قرار دهند .
- ۳) به دور از تعصبات خاص خود و با توجه به سلیقه و نظر فرزندشان عضو جدید را مورد ارزیابی قرار داده و نقاط ضعف و حسن های او را به فرزند یادآوری کنند.
- ۴) والدین باید در این دوران تجربه های غنی ازدواج و زندگی خود را در اختیار فرزند قرار داده و راهنما و مشاور او باشند.
- ۵) اوضاع آرام و بدون تنشی را به وجود بیاورند تا فرزند با فراغ خاطر به بررسی فرد مورد نظر و ابعاد آن پردازد.
- ۶) باید سعی کنند از درگیر شدن ، بحث کردن با فرزند ، به وجود آوردن استرس های بی مورد و تحت تاثیر قرار دادن نظر او با مسائلی که بعدا می تواند مطرح شود بطور جدی جلوگیری کنند .
- ۷) معیارهای درست انتخاب همسر را برای فرزند بیان کرده و به او در این راه کمک نمایند .



معیارهای انتخاب همسر:



یکی از مواردی که جوانان برای پایداری خانواده و تحکیم بنیاد آن باید از آن آگاهی داشته باشند معیارهای انتخاب همسر است تا بتوانند بر اساس آن خانواده خود را تشکیل داده و پیوند آن را برای همیشه حفظ نمایند که به برخی از آنها را اشاره می‌نماییم.

۱) تدین و دین دار بودن فرد:

زیرا انسانی که دین ندارد هیچ و کسی که پای بند به دین (که اصلی ترین مسأله زندگی است) نباشد هیچ تضمینی وجود ندارد که پای بند به رعایت حقوق همسر و زندگی مشترک باشد. همواره این نکته باید در نظر گرفته شود که انسان دیندار نمی‌تواند با همسر بی دین کنار بیاید و باهم زندگی سعادتمندانه‌ای داشته باشند.

۲) صداقت و خلوص:

صداقت اساس زندگی خانوادگی است. چنانچه زن و شوهر مطالبی را از هم پنهان کنند یا دروغ بگویند، اعتماد و اطمینان آنان از یکدیگر سلب می شود و در ادامه زندگی با مشکل مواجه می گردند. همچنین آنها بایست باهم خلوص داشته باشند. منظور از خلوص، سادگی، پاکی و بی آلایشی در رفتار است. اگر بین زن و شوهر ریا و تظاهر حکمفرما باشد، زندگی صفا و صمیمت خود را از دست خواهد داد.

۳) اخلاق نیک داشتن:

منظور از آن داشتن صفات و خلق و خویهای پسندیده در نظر عقل و شرع است. در واقع اخلاق و دین دو ملاک و معیار اصل در ازدواج و انتخاب همسر است. اگر بخواهیم نمونه هایی از اخلاق خوب و بد را اشاره کنیم می توان موارد زیر را ذکر کرد:

خوش زبانی و بدزبانی: زبان ترجمان و بیانگر احوال درون و آئینه دل انسان است.

بزرگواری و حسادت

خوش خلقی و کج خلقی

حق پذیری و لجاجت

۴) شرافت و اصالت خانوادگی:

که منظور نجابت و پاکی خانواده است زیرا ازدواج دختر و پسر تنها پیوند و ترکیب دو فرد نیست بلکه پیوند دو خانواده است و نمیتوان گفت من می خواهم با خود این فرد ازدواج کنم و کاری به خانواده و فامیلش ندارم. زیرا این فرد شاخه ای از این خانواده است و از ریشه های همان درخت خانواده تغذیه کرده است و صفات اخلاقی، روحی، عقلی و جسمی آن خانواده را از راه وراثت، محیط و عادات به این فرد منتقل شده است.



۵) عقل:

در واقع همان نور افکنی است که جاده زندگی را روشن می کند و باید زن و شوهر برای اداره ی زندگی و تربیت فرزندان از نیروی عقل و فهم برخوردار باشند و رشد عقلی کافی پیدا کرده باشند.

۶) کفویت و تناسب:

کفو هم بودن دو همسر یعنی تناسب، همتایی، هماهنگی، هم شأنی، سنخیت و همطرازی دختر و پسر و از آنجا که ازدواج، نوعی ترکیب بین دو انسان و دو خانواده است هر قدر بین این دو عنصر هماهنگی، همفکری، تناسب و سنخیت روحی، اخلاقی جسمی بیشتر باشد این ترکیب استوارتر، مستحکم تر، شیرین تر و جاودانه تر خواهد بود و هر چه هماهنگی و تناسب کمتر باشد زندگی سست تر، کم ثمرتر و ناپایدارتر خواهد بود.

۷) صمیمیت و گرمی:

بهتر است زن و مرد از نظر میزان سردی و یا گرمی، صمیمیت شبیه به هم باشند اگر زوجین، یکی پر حرف و دیگری کم حرف باشد، اگر یکی خواهان سکوت و دیگری علاقه مند به گفتگو باشد، اگر یکی دوست داشته باشد موقع غذا خوردن آرامش برقرار باشد و دیگری تمایل به تعریف وقایع روز در زمان غذا خوردن باشد معمولا موجب اختلاف آنها شده و حتی ممکن است موجب افسردگی زوجین شود.

۸) نظم و انضباط:

عدم رعایت نظم و انضباط در امور داخلی خانه از موارد اختلاف انگیز است. زن یا شوهری که نظافت و بهداشت خانه را رعایت نکند، مورد اعتراض قرار می‌گیرد ولی اگر هر دو ملزم به رعایت نظم باشند و یا بالعکس زمینه اعتراض کمتر به وجود می‌آید.

۹) احساس مسئولیت:

هریک از زوجین باید نسبت به وظایفی که در رابطه با خانواده به عهده دارند، احساس مسئولیت کنند.

۱۰) انعطاف پذیری:

با انعطاف پذیری، زن و مرد می‌توانند در جهات و ابعاد مختلف، مشکلات را کاهش دهند و از دامن زدن به اختلاف‌ها جلوگیری نمایند.



یکی دیگر از مواردی که در پایداری و تداوم ازدواج جوانان می تواند تاثیر سازنده ای داشته باشد ایجاد و تحکیم ارتباط صحیح بین دو خانواده و زوجین و احترام متقابل آنها است در واقع پیوند عاطفی اولیه در ازدواج باید به پیوند عاطفی و ایجاد شبکه های اجتماعی بین دو خانواده منجر شود تا با همدلی و همراهی هر دو خانواده زندگی زوجین تداوم یابد.

"گفتنی است مسئولیت تنظیم روابط و رفتار مناسب و درست زن و شوهر و دو خانواده علاوه بر والدین بر عهده فرزند (زوج یا زوجه) نیز می باشد که می توانند نقش مهمی در ایجاد رابطه صمیمی و دوستانه بین همسر و خانواده های طرفین مقابل ایفا کنند"

نقش والدین بعد از ازدواج بسیار مهم است والدین تاثیر سازنده و بسیار مهمی در تداوم و پایداری ازدواج جوانان دارند. معمولا چه قبل از ازدواج، چه بعد از آن حضور والدین و همیاری و راهنمایی آنها کمک فراوانی به زوج ها می کند و مسیری را برای آنها مهیا می کند تا آجرهای زندگی آنها تا انتها درست و صحیح چیدمان شود. به عبارت دیگر در ابتدای زندگی مشترک زوجین مادر و پدر و در بازه وسیع تر خانواده باید از فرزندان خود حمایت کنند. این حمایت گاه به صورت مالی است و خانواده با توجه به توانایی مالی خود، فرزند را حمایت می کند و گاه به صورت غیرمالی و از طرق مختلف دیگر است و البته در بیشتر موارد ترکیبی از هر دوی اینها می باشد. در زمینه فراهم نمودن شغل نیز خانواده ها می توانند به فرزندان خود کمک کنند. در بسیاری موارد که زوجین جوان هنوز در شرایطی قرار ندارند که بتوانند از لحاظ مالی مستقل باشند و یا شغل ثابتی ندارند تا بتوانند از طریق آن امرار معاش نمایند، خانواده ها با چتر حمایتی خود باعث می شوند زندگی این دو نفر شکل گرفته و تداوم یابد.

نمی توان این امر را کتمان کرد که گاه والدین بعد از ازدواج همان قدر که می تواند تاثیر مثبت و سازنده داشته باشند می توانند تاثیر منفی و مخرب هم داشته باشند. هیچ کسی نمی تواند بگوید که پدر و مادر نباید در ازدواج فرزند دخالت کنند، بلکه لازمه پایداری ازدواج موفق این است که پدر و مادر، نظارت خوب و دقیقی بر ازدواج فرزندشان داشته باشند! اما این نظارت و همیاری نباید به جایی برسد که خانواده هر دو طرف و خود زوجین را دچار دردسر کند، بسیار پیش می آید که اختلاف های زوج ها مربوط به خودشان نیست بلکه به دلیل دخالت ها و حرف های والدین و اطرافیان می باشد که باعث سوء تفاهم و اختلاف هایی در بین آنها می شود. بنابراین والدین باید مواظب باشند تا خود و یا دیگران باعث آسیب به زندگی زوجین جوان نشوند.

در مجموع نقش والدین در زندگی مشترک پس از ازدواج جوانان را می توان اینگونه بیان نمود:

- ◆ حمایت های مختلف از جمله اقتصادی و عاطفی
- ◆ تحکیم روابط و ایجاد زمینه های پر کردن اوقات فراغت زوجین
- ◆ تکمیل نقیصه های مهارت های همسر داری
- ◆ میانجیگری های عاطفی و عادلانه در راستای حل مشکلات احتمالی
- ◆ جبران خسارت های احتمالی در زندگی مشترک زوجین
- ◆ تولید و توسعه فضای عاطفی و پیشگیری از تنش های محتمل



- ❖ فقیهی، علی نقی. تربیت جنسی: مبانی و اصول و روشها از منظر قرآن و حدیث. انتشارات دارالحدیث، ۱۳۸۷. ص ۲۹
- ❖ چاپمن، گری. پنج زبان عشق نوجوانان. ترجمه سیمین موحد. انتشارات ویدا، ۱۳۸۴ ص ۳۱۵
- ❖ شریف رضی. مکارم الاخلاق. جلد ۱، چاپ چهارم ۱۳۷۰ ص ۲۲۰
- ❖ کافی. انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۳۰
- ❖ روحانی علی ابادی، محمد. زندگانی حضرت زهرا (س). ص ۵۱۷
- ❖ نیازی، محسن، خانواده متعالی صفحه ۱۲۳-۱۲۲، ۷۹
- ❖ بیانات رهبر معظم انقلاب دامه برکاته، خطبه عقد مورخه ی ۱۳۷۹

پیامبر اکرم صلی... علیه و آله:

بہترین ازدواج ها آن است
کہ آساتر انجام گیرد.



design by
S. I. I. oravelli - 0913 5757 637